

در این جلسه، دکتر راغفر به نقد وجوه مختلف گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس پرداخت و علاوه بر اشاره به اغراق آمیز بودن برخی از اعداد در این گزارش، بر اثرات تورمی جدی بالابردن قیمت کالاهای اساسی تأکید کرد.

دکتر راغفر سهمیه بندی کالاها برای مردم، محدود کردن واردات و ارائه ارز به تولید کنندگان به جای وارد کنندگان تنها راه حل نجات کشور در شرایط کنونی دانست.

**دکتر مؤمنی** علاوه بر تشریح تأثیرات مخرب افزایش نرخ ارز بر هزینه‌های دولت وضعیت کنونی شرایط کشور را بسیار خطرناک توصیف کرد. او گفت: خط فقر ماهانه برای خانوارهای چهار نفره ایرانی در این سال نسبت به سال ۱۳۹۶ یک رشد نزدیک به ۲۰ درصد را به نمایش می‌گذارد اما آسیب‌پذیری مالی دولت از سیاست‌های تورم‌زا همچنان حدود ۲٫۵ برابر آسیب‌پذیری خانوارها است.

دکتر مؤمنی به خطر خصوصی‌سازی‌ها و برون سپاری‌های بسیار مشکوک که دامنه آن در شرایط خطرناک کنونی از وزارت نفت تا وزارت آموزش و پرورش گسترده شده اشاره کرد و گفت: این‌گونه نباشد در شرایطی که بنا به تصریح همه مقامات دست اندرکار با یک فقر فراگیرتر بر اثر افزایش نرخ ارز در سال ۱۳۹۷ روبرو بودیم تحت عنوان برون سپاری خصوصی سازی بسترهای کسب رانت برای یک اقلیت و افزایش هزینه‌های مربوط به سلامت، آموزش و پرورش، زندگی روزمره مردم و به ویژه فقرا را فراهم کنند.

مؤمنی معتقد است متأسفانه خطر بسیار بزرگی که در ارزیابی لایحه بودجه سال ۱۳۹۸ به آن کمتر بها داده می‌شود؛ روند رو به سقوط وزن و ضریب اهمیت مسئولیت‌شناسی دولت در زمینه امور حاکمیتی است. نمونه کلی آن این که وزن نسبی هزینه‌های حاکمیتی دولت که اصطلاحاً مؤلفه‌های بستر ساز برای توسعه را در برمی‌گیرد مانند آموزش و سلامت مردم، زیر ساخت‌های فیزیکی و از این قبیل سقوط معنی داری را در لایحه بودجه سال ۹۸ نشان می‌دهد.

**مهندس احسان سلطانی** دیگر اقتصاد دان حاضر در این نشست، با توضیح اینکه ایران در شرایط بسیار خطرناک همزمان به سه بحران بدهی، بحران بانکی و بحران ارزی مواجه است؛ به تشریح هر یک از این سه بحران خطرناک پرداخت. او بحران‌های موجود را محصول سیاست‌های نئولیبرالی دانست و به نقد برخی از فرضیه‌های نئولیبرال‌ها در ایران و تشریح نتایج آن در بحران‌های کنونی پرداخت.

دکتر راغفر، به بحث درباره پیشنهادی درباره بالابردن نرخ ارز کالاهای اساسی پرداخت و گفت: ما گزارشی درباره بودجه تهیه کردیم که چون مکتوب و منتشر شده تنها به نکات پراهمیتی در آن



## هشدارها و راه‌حل‌های سه اقتصاد دان نهادگرا برای بودجه ۹۸ و مشکلات اقتصادی کشور

اشاره:

دکتر فرشاد مؤمنی، دکتر حسین راغفر و مهندس احسان سلطانی در مؤسسه دین و اقتصاد به بحث درباره اقتصاد سیاسی بودجه و تحریم‌ها پرداختند و پیشنهادات و راهکارهای خود را برای بودجه ۸۸ و غلبه بر بحران‌های موجود ارائه دادند.



فرشاد مؤمنی

احسان سلطانی

حسین راغفر

خواهد شد. بنابراین اینکه تورم ایجاد نمی‌شود حرف خیلی بی‌ربطی هست و ما حاضر هستیم در هر مجمعی در این باره به بحث بپردازیم و توصیه ما این است که بین نمایندگان مجلس باشد تا مشخص شود گزارشی که دادند فقط مقدمه چینی است برای اینکه رانت بسیار بزرگ دیگری به جیب کسانی که متهم هستند وارد شود.

راغفر ادامه داد: سؤال اینجاست که در بستر اقتصاد سیاسی کنونی کشور هر راه حلی در چارچوب به اصطلاح بازار آزاد داده شود جز تخریب بیشتر کار دیگری انجام نمی‌دهد. نکته‌ای که تلویحا به آن اشاره کردند ناتوانی دولت و چه بسا همسویی دولت با فساد است. قطعاً موارد متعددی در درون دولت و دستگاهی‌های مختلف وجود دارد. متأسفانه گزارش‌هایی که می‌گیریم و صحبت‌هایی که مقامات مملکت می‌کنند بسیار پر تناقض است. ابتدا گفتند ما ارز کافی داریم و تضمین می‌کنیم و بعد گفتند ما اصلاً یک دلار ارز کاغذی نداشتیم. علت اینکه افزایش قیمت ارز پیدا کرد این بود که در دوره‌ای اصلاً قیمت دلار کاغذی نداشتیم. در حالی که در همین دوره طبق گزارش‌های خودشان ۲۰ میلیارد دلار تزریق کردند و ارز کشور خارج شد. بخشی از آن فضاحتی است که برای خودروهای قاچاق و گوشی همراه بود و آن را به شرکت‌هایی دادند که حتی دادستان آن را گزارش کرد. آن زمان فقط یک ماه از تأسیس شرکتی می‌گذشت، اما چند

تومان به هشت هزار تومان صورت بگیرد که به قول خودشان قیمت ارز نیمایی هست، تنها ۶ درصد افزایش تورم خواهیم داشت. البته در سه دهه حاکمیت سیاست‌های نئولیبرال در کشور همواره شاهد بودیم برای جا اندازی سیاست‌های خودشان آمارسازی می‌کنند. این مسئله به شدت قابل بحث است و اینکه این تورم چگونه توزیع می‌شود و چه سهمی به گوشت و دیگر کالاهای اساسی منتقل می‌شود و یا چه تأثیری بر قیمت دارو خواهد داشت. راغفر گفت: فرض اساسی این گزارش یک نقد خیلی جدی به وجود دولت است؛ آیا دولت فاسد است؟ البته چنین تعبیری ندارد؛ اما می‌گوید وقتی دولت نمی‌تواند فساد را کنترل کند و بر مسیرها و کانال‌هایی که تخصیص داده شده نظارت کند؛ عملاً ما مردم را تنبیه کنیم. افزایش قیمت از چهار هزار و دویست تومان به هشت هزار تومان قطعاً تورم بسیار بالایی را بر جامعه تحمیل می‌کند که قربانیان اصلی آن مردم طبقات متوسط و پایین و به ویژه تولید است. جالب است برای خالی نبودن عریضه از تولید دفاع کرده است.

وی افزود: فرض غلط دیگری وجود دارد؛ و آن اینکه اگر ما ارز را از ۴۲۰۰ تومان به هشت هزار تومان برسانیم همه چیز ثابت می‌ماند و فقط قیمت این کالاها تغییر می‌کند. زمانی که ارز را دو برابر کنید همه چیز تغییر می‌کند. اولین اتفاقی که خواهد افتاد این است که قیمت ارز بازار آزاد پانزده هزار تومان

اشاره می‌کنم. موضوع مهمتری که جناب آقای دکتر مؤمنی درباره‌اش صحبت کردند که اکنون مجلس در شرف تصمیم‌گیری در مورد آن هست، تخصیص چهارده میلیارد دلار ارز کالاهای اساسی و اینکه کالاهای اساسی با چه قیمتی به بازار ارائه شود. گزارشی به نام مرکز پژوهش‌های مجلس منتشر شده و تمام تلاش این گزارش مبنی بر این هست که امسال دولت ۲۱ میلیارد دلار ارز خواهد داشت که از این ۲۱ میلیارد، دولت ۱۴ میلیارد را برای واردات کالاهای اساسی تخصیص داده است.

وی گفت: مرکز پژوهش‌های مجلس گزارشی را درآورده مبنی بر اینکه فساد وجود دارد؛ چون دولت نتوانسته ارزی را که در سال ۹۷ به این منظور تخصیص داده مراقبت کند و منابع به مسیرهای منحرف رفته است. بالغ بر ۱۱ میلیارد دلار ارز تا کنون برای واردات کالاهای اساسی داده شده، که بخشی از آن به کشور برنگشته، با مبالغی از آن کالاهای دیگر وارد شده، مبالغی از آن کالاهایی وارد شده که مجدداً صادر شده، بسیاری از کالاهای آمده ولی وارد بازار ایران نشده و بلافاصله بازرگاری شده و از کشور خارج شده و به کشورهای همسایه رفته و آن چیزی که وارد شده با قیمت چهار هزار و دویست تومان محاسبه نشده بلکه با قیمت بازار آزاد و با قیمت‌های مختلف به مردم فروخته شده است. به همین دلیل نتیجه‌گیری می‌کنند منابع ۱۴ میلیاردی را در ساختار فاسد اقتصاد سیاسی در کشور ما بایستی با نرخ ۸ هزار تومان وارد کنیم. و فاصله‌ای که بین ۴ هزار و دویست تومان با ۸ هزار تومان بوده و عده‌ای آن را به جیب زدند حذف کنیم و بخش قابل توجه‌ای از آن را وارد منابع دولت کنیم. دو راه حل دادند که یک مورد را عرض کردم.

وی افزود: دومین راه حل این است که بخشی از آن را به صورت یارانه به مردم و خود مردم بپردازیم که مصرف‌کننده نهایی هستند. فرمول ترکیبی دیگری مطرح کردند و آن اینکه به صورت ترکیبی بخشی را کالاهای اساسی و بخشی را یارانه دهیم. چند فرض وجود دارد و البته محاسباتی کردند مبنی بر اینکه اگر افزایش قیمت از چهار هزار و دویست

**دکتر راغفر: در شرایط کنونی دولت، دولتی است که ۲۰ میلیارد دلار ارز را تخصیص می‌دهد و حاضر نیست اسم کسانی که این فساد را انجام دادند مطرح کند. بنابراین ما از این دولت هیچ انتظار نداریم که اصلاح کند**

میلیون دلار ارز می‌گیرد برای اینکه کالا وارد کند ولی کالایی وارد نمی‌شود؛ همه عزیزان در جریان کسانی که می‌آورند هستند.

دکتر راغفر گفت: این افزایش قیمت ارز قطعاً تورم را تشدید و تولید را نابود می‌کند. اولین اتفاقی که رخ می‌دهد این است که نیاز به منابع ربالی تولیدی که امروز مشکل دسترسی به اعتبارات بانکی دارد؛ دو برابر خواهد شد؛ به خصوص بعضی از صنایع به شدت وابسته به تسهیلات بانکی هستند. بنابراین عملاً با بایستی فعالیت خود را تعطیل و نصف کنند که آثار به شدت سوء برای تولید دارد. هدف این برنامه توسعه و تشویق واردات است. مملکتی که ۸۰ میلیارد دلار واردات با ۲۰ میلیارد دلار درآمد ارزی دارد، یک شکاف عمیق ارزی دارد. اول باید بپذیریم که شرایط کشور، شرایط عادی نیست. هنوز خیلی از سیاست‌گذارها نمی‌خواهند به این مسئله تن بدهند. برای اینکه بپذیرند شرایط، شرایطی غیر عادی است بایستی سیاست‌های متناسب اتخاذ کنند. از جمله آن‌ها محدود کردن واردات است. بنابراین باید بسیاری از کالاهای وارداتی را محدود کنند. ممکن نیست از این سو مافیای واردات خودرو وجود داشته باشد و بعد از آن سو دغدغه ارز را مطرح کنید. نهادهای پر قدرت به نظام تخصیص منابع فشار می‌آورند و منابع را می‌بلعند و به جای غلط می‌برند در حالی که نیازهای اساسی جامعه باقی مانده است.

دکتر راغفر با تأکید بر این که در شرایط کنونی ما راه حل داریم، گفت: راه حل این است که ما بپذیریم شرایط اضطراری هست. اگر واقعاً مقامات اعتقاد به جنگ اقتصادی دارند و اعتقاد دارند نظام جهانی به دنبال آسیب به نظام است و هر کاری از دستش بربیاید در این رابطه کوتاهی نخواهد کرد و همه شواهد آن کاملاً مشخص است، ما هیچ راهی جز

سهمیه بندی کالا نداریم. چرا از این واقعیت گریزان هستند؟ به دلیل اینکه سفره‌ای که پهن شده و تمام نهادهایی که در طول دوره‌ی جنگ شکل گرفته بود را شستند و کنار گذاشتند تا اوضاع به اسم بازار آزاد و اقتصاد آزاد، در خدمت غارتگری و چپاولی قرار گیرد که همه ما شاهد هستیم. کسانی که صاحب منابع بزرگ در غارتگری و چپاول هستند حتماً ما را فراموش می‌کنند و ما هیچ انتظاری دیگر از آن‌ها نداریم. اگر ترور نکنند و هزار مسئله دیگر نسازند حتماً ما را فراموش می‌کنند یا اینکه گوش خود را می‌گیرند و نمی‌شنوند. این افراد در نظام حکومتی و دولتی ما حضور دارند. بنابراین ما اصلاً از دولت انتظار نداریم.

راغفر گفت: در شرایط کنونی دولت، دولتی است که ۲۰ میلیارد دلار ارز را تخصیص می‌دهد و حاضر نیست اسم کسانی که این فساد را انجام دادند مطرح کند. بنابراین ما از این دولت هیچ انتظار نداریم که اصلاح کند. این دولت به شدت در مقابل سهمیه بندی مقاوم است. کسانی که در این سیستم سهم می‌گیرند و تخصیص اعتبار می‌دهند. کسانی هستند که منابع ارزی کشور را که ارزشمند بوده و ما توصیه فراوان به حفظ آنها کردیم و را از مملکت خارج کردند چه کسانی بودند؟ بانک مرکزی، وزارت صنعت و معدن و بقیه‌ی دستگاه‌های ذی ربطی که مرتبط با دستگاه‌های اقتصادی مثل گمرک و نظیر آن هستند. هیچ کسی از کره مریخ نیامده این کار را انجام دهد و بنابراین ما هیچ اعتمادی به راه حل‌ها نداریم. به نظر بنده تنها راه حل موجود کشور بازگشت به نظام سهمیه بندی است به نحوی که حداقل‌هایی را برای عموم مردم تضمین کند.

وی گفت: اتفاقی که افتاده و آسیب بسیار جدی که در این ۳۰ سال گذشته و به ویژه در ۱۳ سال گذشته عملاً وارد شده فرسایش سرمایه اجتماعی، اعتماد عمومی به مردم و مسئولین است که از بین رفته و به شدت مستهلک شده است. یکی از اقداماتی که برای بازسازی می‌توان انجام داد این است که دولت و حکومت نشان دهد که حافظ منافع همه‌ی مردم و طبقات فرودست جامعه است. با افزایش قیمت

ارز دولت با کسری بودجه بسیار بزرگ روبرو خواهد یکی از جاهایی که به شدت اثر و تأثیر می‌گذارد روی خود هزینه‌ها و مخارج دولت است. در جامعه ما دولت بزرگترین متقاضی و مصرف کننده است. کسری بودجه دولت به شدت افزایش خواهد یافت صرف نظر از اینکه پیش‌بینی‌های بودجه برای درآمدهای نفتی و مالیاتی بسیار غیر واقعی است، کسری بودجه‌ی بزرگی که وجود دارد دولت را وادار خواهد کرد که به سمت استقراض بیشتر از نظام بانکی پیش برود. دولت مدعی است تاکنون از بانک مرکزی وام نگرفته ولی از بانک‌ها وام گرفته و بانک‌ها از بانک مرکزی وام گرفته‌اند که در عمل هیچ فرقی نمی‌کند.

راغفر ادامه داد: نکته دیگری که در گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس آمده و در جهت عادی سازی آن تلاش شده است، تثبیت قیمت هشت هزار تومانی ارز است. همان گونه که عرض کردم با افزایش قیمت از چهار هزار دویست تومان ارز ترجیحی به هشت هزار تومان افزایش یافت و حتماً قیمت هشت هزار تومان هم تثبیت نخواهد شد و افزایش پیدا خواهد کرد. بنابراین ما به سمت افزایش شدید قیمت ارز می‌رویم در حالی که در سال آینده تحریم‌ها، کاهش درآمدهای ارزی و کسری بودجه‌های بسیار بزرگ دولت را داریم.

وی گفت: این گزارش بر این فرض غلط استوار است که افزایش قیمت ارز اثرات جانبی ندارد فقط تورم را شش درصد بالا می‌برد و اما این افزایش تمام سیستم اقتصادی را به هم می‌زند و اثر می‌گذارد. سؤال ما این است که عدد چهارده از کجا آمده؟ محاسبات نشان می‌دهند ما با ده میلیارد دلار می‌توانیم نیازهای جامعه را تأمین کنیم. چرا چهارده میلیارد؟ بلکه شاید کمتر از ده میلیارد نیازهای اساسی جامعه را تأمین می‌کند. بنابراین دولت می‌تواند چهار میلیارد دیگر را در جای دیگری برای تولید صرف کند. راه حل اساس ما این است: ۱. سهمیه بندی کالاها برای مردم است. ۲. بجای واردات، ارز را به تولید کننده تخصیص دهیم. ظرفیت تولیدی تمام کالاهایی که قرار است وارد کشور شود در داخل وجود دارد.



**دکتر راغفر: نگاه به عدد و رقم‌های لایحه بودجه سال ۱۳۹۸ و مقایسه آن با قانون بودجه سال ۱۳۹۷ دقیقاً منعکس کننده آثار فاجعه آمیز شوک نرخ ارز در سال ۱۳۹۷ برای دولت بوده است**

در بخش دیگری از این نشست دکتر فرشاد مؤمنی اعلام کرد: در یک نگاه اجمالی به اعداد و ارقام لایحه بودجه‌ی سال ۱۳۹۸ ملاحظه می‌فرمایید در حالی که نرخ تورم رسماً اعلام شده تا این لحظه حول و حوش ۳۰ درصد هست با وجود آنکه در سال ۱۳۹۸ رویکرد دولت محترم رویه انقباضی بوده، اقلام هزینه‌ای لایحه بودجه سال ۱۳۹۸ نسبت به قانون بودجه‌ی سال ۱۳۹۷ حکایت از یک رشد ۶۷ درصدی دارد. این تأیید کننده چیزی است که از اولین سال‌های دهه ۱۳۷۰ در ایران تجربه شده بود که اگر دولت برای تأمین کسری‌های مالی خود دل به افزایش قیمت‌های کلیدی ببندد گرفتاری‌های خود را بیشتر خواهد کرد و به معنای دقیق کلمه در باتلاق پیشروی خواهد کرد.

وی گفت: نگاه به عدد و رقم‌های لایحه بودجه سال ۱۳۹۸ و مقایسه آن با قانون بودجه سال ۱۳۹۷ دقیقاً منعکس کننده آثار فاجعه آمیز شوک نرخ ارز در سال ۱۳۹۷ برای دولت بوده است. قدر مطلق افزایش اقلام هزینه‌ای در این مقایسه برای دولت چیزی حدود ۴۰۰ هزار میلیارد تومان است. این موضوع یک علامت خطر بسیار جدی است و باید همه‌ی اصحاب خرد و دانایی و نهادهای مدنی در این زمینه به کمک دولت بیایند تا بتوانند از ارتکاب چنین خطاهای فاحشی خویشتن دارانه خودداری کنند. در بحثی مفصل‌تر برای شما نشان خواهم داد که چه پارادوکس‌ها و چه بحران‌های بی‌سابقه و کم سابقه‌ای در اثر افزایش نرخ ارز در سال ۱۳۹۷ گریبان دولت را گرفته است. اهمیت این مسئله از این نظر بیشتر می‌شود که ما مشاهده می‌کنیم مافیای رسانه‌ای به طرز غیر متعارفی در راستای منافع رانت خورها و غیر مولدها چند ماهی است؛

اقتادن است. امروز زمان کنایه و در لفافه حرف زدن نیست، جامعه و شرایط اقتصادی جامعه بسیار حساس است و به دلیل فشارهای اقتصادی مردم در مراحل انفجار هستند. مردم چه گناهی دارند تا هزینه‌های بی‌تدبیری‌ها و بی‌کیاستی‌ها را بپردازند و بعد متهم می‌شوند گاز، برق، بنزین زیادی مصرف می‌کنند و هر چند وقت یک دفعه چرخه را باز تولید کنند. اتفاقی که با افزایش قیمت ارز از چهار هزار و دویست تومان به هشت هزار تومان افتاد.

راغفر گفت: درآمد سرانه ما امروز به دلیل افزایش قیمت ارز و بی‌ارزش شدن پول ملی ما در ردیف کشورهای فقیر آفریقایی قرار گرفته است. مسئولین کشور بایستی درباره این مسئله تصمیم بگیرند که قرار هست چه اتفاقی بیفتد. البته ما هیچ آمیدی به مجلس نداریم. به همین دلیل در این مقطع تصور بنده این است که ما به دولت، مجلس و دستگاه قضایی برای سامان بخشی به این نابسامانی‌ها اعتماد نداریم و فکر می‌کنیم تنها راه حل حضور مستقیم رهبری برای تغییر این رویکردها است. سیستم منتفع است. به اندازه بودجه امسال رانت ارزی حاصل شده و بین بخش‌های مختلف توزیع شده است. نظام مالیاتی ما کجاست تا مالیات بگیرد؟ بلافاصله بالا سر تولیدکننده بالای سر تولیدکننده و بقیه ایستاده برای اینکه مالیات بگیرد. کارمند و یک معلم فوق لیسانس با یک میلیون و چهار صد تومان استخدام می‌شود و بایستی مالیات خود را تا ریال آخر بپردازد. سیصد هزار میلیارد تومان درآمد حاصل شده و داخل جیب کسانی رفته که همه می‌دانند چه کسانی هستند ولی یک ریال مالیات گرفته نشده است. این نظام اقتصادی مشکلات اساسی دارد. این نظام بایستی بازنگری اساسی کند والا ادامه حیات سیاسی کشور و امنیت کشور با تهدیدهای خیلی جدی از داخل روبرو خواهد شد. من به فشارهای بین‌المللی کاری ندارم. من اعتقاد دارم آنچه می‌تواند تضمین کننده ثبات سیاسی در کشور باشد حفظ منافع مردم است. مادامی که مردم احساس کنند حکومت و نظام حافظ منافع آن‌هاست و تلاش خود را می‌کند قطعاً پای نظامشان خواهند ایستاد.

وقتی این مسئله را مطرح می‌کنیم، می‌گویند ارز را بین خودشان توزیع می‌کنند و دوباره سیستم فاسد توزیع غلط می‌دهد. توصیه‌ی ما این است که دولت بایستی وارد قرارداد اجتماعی و اقتصادی با صنوف تولیدی شود. امروز صبح بحث صنف تولید دام و طیور این بود و آن‌ها کاملاً آمادگی دارند که تولید گوشت مرغ کشور را تضمین کنند. چرا بایستی ما از برزیل و کشورهای دیگر وارد کنیم؟ چرا نبایستی به ظرفیت‌های تولیدی که در کشور بسیار گسترده هست توجه کنیم؟ آنچه ما انتظار داریم این است که مداخله از سطوح بالاتر صورت بگیرد. متأسفانه داخل دولت و دستگاه قضایی آمادگی برای این کار وجود ندارد. بنابراین باید یک الزام جدی‌تر بر همه‌ی دستگاه‌ها از سوی رهبری ابلاغ شود تا جهت‌گیری‌ای که تاکنون بسیار جهت‌گیری مخربی بوده تغییر کند.

وی گفت: این ظرفیت بسیار بزرگی است که اگر ما به ظرفیت‌های تولید در داخل تخصیص دهیم اولاً شغل‌های فراوان تولید می‌کند و ظرفیت‌های تولید را در کشور بالا می‌برد، دوماً ما را در مقابل تحریم‌های جهانی که نفت بدهید غذا بگیرید مصون می‌کند و آسیب زایی و آسیب پذیری کشور را در مقابل کشورهای بین‌المللی کاهش می‌دهد. برای ما جای سؤال است که چگونه به عقلشان نمی‌رسد باید واردات را محدودتر کنیم! توصیه و ترویج به افزایش واردات به چه منظور هست؟

وی افزود: از دیگر مباحثی که مطرح می‌کنند یا اهدافی که این گزارش دنبال می‌کند تثبیت قیمت هشت هزار تومان ارز است. این هشت هزار تومان از کجا آمده؟ با چه سازوکار و مکانیزمی قیمت هشت هزار تومان نیما درآمده؟ اگر درست عمل کنند با تزریق ۳ درصد کل اعتبارات ارزی فقط قیمت بازار آزاد را تعیین می‌کنند که به معنای کلاهبرداری هست. به دنبال حفظ منافع تجار هستند. آنچه در حداقل یکصد سال گذشته کشور ما شاهد بوده سلطه سرمایه‌های تجاری بر کشور و سلطه‌ی صاحبان سرمایه‌های تجاری بر نظام تصمیم‌گیری کشور هست که اکنون در حال اتفاق

**دکتر مؤمنی: نشانه‌هایی از قبیل انتخاب‌های قومی قبیله‌ای توسط برخی وزرای جدید پدیدار شده که هیچ نسبتی با نیاز شدید کشور در به کارگیری نیروهای با کیفیت ندارد. تلخ تر و نگران کننده‌تر اینکه برخی افراد که با ملاحظات قومی قبیله‌ای انتخاب می‌شوند اشتباه به سلامت مالی هم ندارند**

به این دروغ بزرگ می‌پردازند افزایش نرخ ارز هیچ نقشی در تورم ندارد. این دروغ بزرگ با یک نگاه سر انگشتی به اعداد و ارقام لایحه‌ی بودجه سال ۱۳۹۸ به وضوح آشکار می‌شود.

**دکتر مؤمنی** گفت: زمانی که شما جزئیات داده‌های مربوط به شاخص هزینه‌های مصرف کنندگان را بررسی می‌کنید، ملاحظه می‌فرمایید که از سال ۱۳۶۹ تا به امروز هرگز نرخ تورم ماهانه برای سه ماه متوالی بالاتر از سه درصد نبود و این تنها در سال ۱۳۹۷ اتفاق افتاد که از خرداد سال ۱۳۹۷ تا پایان آذر ماه همین سال نرخ تورم ماهانه همواره بالاتر از سه درصد بوده و در بعضی از ماه‌ها حتی از مرز ۵ درصد هم عبور کرد. این یک مسئله بسیار حیاتی است که به ویژه برای نمایندگان گرامی مجلس که در معرض اغواگری‌های ناشی از سیکل سیاسی انتخابات در سال بعدی قرار دارند حائز اهمیت است. زمانی که از این زاویه به تحولات عدد و رقم‌ها نگاه می‌کنید ملاحظه می‌فرمایید خط فقر ماهانه برای خانوارهای چهار نفره‌ی ایرانی در این سال نسبت به سال ۱۳۹۶ یک رشد نزدیک به ۲۰ درصد را به نمایش می‌گذارد که نشان می‌دهد آسیب پذیری مالیه دولت از سیاست‌های تورم‌زا همچنان حدود ۲/۵ برابر آسیب پذیری خانوارها است. مسئله از کارکرد افتادگی دولت در این شرایط خطیر و حساس مسئله‌ای است که برای چندمین بار طی سه دهه گذشته آشکار شده ولی به شرحی که گفتم مافیاهای رسانه‌ای پشتیبان منافع غیر مولد‌ها و رانت خورها از دولت در زمینه آثار تورم زای سیاست نرخ ارز همچنان حساسیت زدایی می‌کنند.

وی گفت: مسئله بسیار مهم دیگری که در این

زمینه باید مورد توجه قرار دهیم این است که اینگونه سهل انگاری‌ها در شرایطی که به اندازه کافی در معرض شوک‌های آینده هراسانه‌ی بیرونی هستیم می‌تواند برای کشور خطرات و هزینه‌های بسیار سنگینی داشته باشد به دلیل اینکه در چنین شرایطی ما با خطر تحریک انتظارات مردم با ابعاد غیر قابل پیش‌بینی روبرو خواهیم بود. اگر چنین اتفاقی رخ دهد آنچه اقتصاددان‌های بزرگ نهادگرا مطرح می‌کنند این است که در شرایطی که آینده هراسی در معرض خطری قرار می‌گیرد که در سطح نظری از آن به عنوان خطر فرار با سودها نام برده می‌شود؛ وضعیت بسیار پیچیده‌ای را حاکم می‌کند و اگر انگیزه‌ی فرار با سودها تحریک شود ما در معرض مسائل بحران ساز قرار می‌گیریم.

**دکتر مؤمنی** گفت: نشانه‌هایی از قبیل انتخاب‌های قومی قبیله‌ای توسط برخی وزرای جدید پدیدار شده که هیچ نسبتی با نیاز شدید کشور در به کارگیری نیروهای با کیفیت ندارد. تلخ تر و نگران کننده‌تر اینکه برخی افراد که با ملاحظات قومی قبیله‌ای انتخاب می‌شوند اشتباه به سلامت مالی هم ندارند. من فکر می‌کنم نهادهای نظارتی و جامعه‌ی مدنی باید در این زمینه حساسیت بیشتری داشته باشند. فرض بفرمایید افتتاح بنگاه‌های تولید فولاد در استان‌های به شدت کم آب به نظر می‌رسد که یک کار بسیار شبهه‌ناک است. در شرایطی که در این صنعت مثل پتروشیمی‌ها و سیمانی‌ها ملاحظات رانتی و ضد توسعه‌ای و ضد محیط زیستی به شدت قوی هست، باید به مسئولانی که با این شیوه‌ها عمل می‌کنند و ترجیحات را ابراز می‌کنند مشفقانه تذکر داد. چرا که به ویژه در هر سه این صنایع ما با بحران تولید زیر ظرفیت واحدهای موجود و مازاد شدید ظرفیت‌های تولیدی روبرو هستیم. اگر با توجیه‌های رانتی و ضد توسعه‌ای به سمت افتتاح‌های جدید بروند و بعد مقامات سطح بالای اجرایی کشور هم تشویق کننده باشند و کارها را تحت عنوان اقتصاد مقاومتی غالب کنند؛ می‌تواند بسیار نگران کننده باشد.

**دکتر مؤمنی** گفت: متأسفانه خطر بسیار بزرگی که در

ارزیابی لایحه بودجه سال ۱۳۹۸ به آن کمتر بها داده می‌شود؛ روند رو به سقوط وزن و ضریب اهمیت مسئولیت‌شناسی دولت در زمینه امور حاکمیتی است. نمونه کلی آن اینکه وزن نسبی هزینه‌های حاکمیتی دولت که اصطلاحاً مؤلفه‌های بستر ساز برای توسعه را در برمی‌گیرد مانند آموزش و سلامت مردم، زیر ساخت‌های فیزیکی و از این قبیل یک سقوط خیلی معنی دار را در لایحه بودجه سال ۹۸ نشان می‌دهد و همزمانی این مسئله با اوج گیری تحریم‌ها این خطر را به شرحی که اشاره کردم افزایش می‌دهد تا به مردم احساس بی‌پناهی بیشتری دهد و این تصور را ایجاد کند که خدایی ناکرده دولت و حکومت می‌خواهند مردم را به کلی رها کنند.

**دکتر مؤمنی** ادامه داد: در تمام گزارش‌هایی که در دولت و بیرون دولت برای بودجه نوشته شده تن در دادن به مناسبات به شدت ناکارآمد و بعضاً فاسد موجود تحت عنوان اینکه کاری نمی‌توان کرد وجود دارد در حالی که اصل ماجرا به هیچ وجه صحت ندارد. کارشناس‌های بزرگ و مطرح کشور در حیطه نفت برای ما گزارش‌هایی را مطرح کردند که نشان می‌داد در وزارت نفت ما با پدیده‌هایی روبرو هستیم و دستگاه‌هایی وجود دارند که اصلاً فلسفه‌ی وجودی خود را از دست داده‌اند اما پرداخت‌های سنگین و نیروی کار بدون کار شاغل در آنجا بیدار می‌کند. پیشنهاد اساسی من این است که نهادهای نظارتی یک هیئت ویژه‌ای را تشکیل دهند تا به تک‌تک دستگاه‌ها مراجعه کنند و همه‌ی کارهای غیر ضرور و فاقد توجیه و موازی کارانه را بازننگری و حذف کنند. شرایط خطیر کنونی می‌تواند از این نظر برای ما بسیار سازنده باشد.

**دکتر مؤمنی** گفت: در توصیه‌هایی که برای مواجهه با فقر صورت می‌گیرد هم این انفعال وجود دارد و اصل را بر مبنایی می‌گذارند که فقر فقرا باقی بماند و با رویکردهای سفله پرورانه کمک‌های غیر مؤثر و ناکارآمد به آن‌ها تعلق بگیرد. در حالی که همان منابع را می‌توان صرف کارهایی کرد که برای فقرا شغل ایجاد کند و با احساس عزت نفس بتوانند از این شرایط خطیر بیرون بیایند. فرض فرمایید برخی

**دکتر مؤمنی: در تمام گزارش‌هایی که در دولت و بیرون دولت برای بودجه نوشته شده تن در دادن به مناسبات به شدت ناکارآمد و بعضاً فاسد موجود تحت عنوان اینکه کاری نمی‌توان کرد وجود دارد در حالی که اصل ماجرا به هیچ وجه صحت ندارد**

همزمان با شدت به هم برخورد کردند مواجه شدیم. دولت می‌گوید ما شصت هزار میلیارد تا نهصد هزار میلیارد بدهی داریم. از آن سو با گزارش بودجه معلوم می‌شود هشت میلیارد دلار شرکت نفت بدهی دارد. برآورده بنده این است که شهرداری‌ها بالای صد هزار میلیارد تومان بدهی دارند. وقتی مجموع این بدهی حساب می‌کنیم به نسبت بسیار نگران کننده می‌رسیم که نزدیک به صد درصد GDP است.

وی افزود: آقایانی می‌گویند چون آمریکا ۱۲۰ درصد بدهی دارد که درباره آن صحبت خواهیم کرد که چگونه این بدهی ساخته شده، بنابراین مهم نیست و نگران نباشد. در نسخه گردش اقتصادی که آقایان پارسال پیچیدند یک مورد این بود که دولت استقراض کند، مهم نیست. ما آمریکا نیستیم، ما مانند آمریکا فقط صد میلیارد پتنت صادر نمی‌کنیم. چه چیز ما با آمریکا مناسبت دارد! در سطح منطقه‌ای ما کمترین بدهی دولت به GDP به ۵۰ درصد نمی‌رسد. در مورد بحران بانکی فقط ششصد هزار میلیارد تومان پول و سپرده نیست. حدود دویست هزار میلیارد تومان هم وام‌های مشکوک الوصول و تسهیلات غیر جاری داریم. بدین معنا حدود ۶۰ درصد GDP بحران بانکی پول می‌خواهد تا بتواند به حالت نرمال برگردد.

این تحلیل گر اقتصادی گفت: در بحران سال ۲۰۰۷-۲۰۰۸ آمریکا که تقریباً بزرگترین بحران بانکی محسوب می‌شود حدود ۲۰ درصد GDP آمریکا بود که تاکنون تاوان آن را می‌دهند. شما می‌دانید بر اساس بعضی از برآوردها ۱۳ تریلیون دلار خسارتی بود که آمریکا بخاطر آن بحران داد. متأسفانه ما گرفتار جریان‌ات وحشتناکی شدیم. استعاره‌ای به اسم استعاره‌ی قوی سیاه وجود دارد

هست. نوعی تسلیم عملی در برابر آنچه در حال وقوع هست مشاهده می‌شود. شاید در این شرایط مسئولیت کارشناسان و دانشگاهیان نسبت به هر برهه‌ی تاریخی دیگری بیشتر باشد و باید از طریق ارزیابی‌های دقیق از جهت‌گیری‌های بحران ساز در لایحه‌ی بودجه سال ۱۳۹۸ جلوگیری کنیم.

وی هشدار داد: آثار عملی این سردرگمی و انفعال در زندگی روزمره‌ی مردم و فعالیت‌های تولیدکنندگان، می‌تواند تبدیل به یک تهدید برای امنیت ملی ما شود. آن چه که در مقدمه باید به دولت محترم گوشزد کرد این است که کم توجهی خطرناکی نسبت به پیامدهای ناشی از بازی خطرناک با نرخ ارز در اسناد انتشار یافته مشاهده می‌شود.

استاد دانشگاه تربیت مدرس افزود: به شرحی که در چارچوب مفهوم دیالکتیک سوخته مطرح شده است دوباره به سمت سنت‌های مألوف پیشین که بحران سازی آن‌ها محرز شده در حرکت هستیم. در شرایط کنونی یکی از کارهایی که دولت حتماً نباید انجام دهد عبارت از دلبستن به افزایش قیمت کالاها و خدماتی که در اختیار دولت هست و توجه به عوارض این کار به ویژه اگر موضوع ماجرا دستکاری قیمت‌های کلیدی باشد ضروری است.

در ادامه این نشست احسان سلطانی با بیان این که اکنون به وضع خیلی ناپایداری رسیده‌ایم، گفت: ما در وضع نرمال نیستیم. چند وقت است که با بحران‌های مالی در دنیا مواجه شده ایم. درباره‌ی بدهی دولت بحث خوبی داریم که دولت باید بدهی ایجاد نکند و بودجه‌اش متعادل باشد. دولتمردها بایستی از بزرگ انگاری دست بردارند. به قول قدیم یکی از دلایل سقوط این بوده ارزش پول ۶۰ برابر کم می‌شود. وزن مسکوک آن زمان در هر کشور کم می‌شد. این پدیده‌ای است که دو هزار سال پیش هم داشتیم. آدم اسمیت می‌گوید این مسئله به گونه غارت کردن مردم هست. از لحاظ بحران‌های مالی سه مؤلفه داریم: ۱. بحران بدهی ۲. بحران بانکی ۳. بحران ارزی. که معمولاً دو مورد یا یک مورد آن‌ها در بحران اتفاق می‌افتد و به ندرت هر سه مورد رخ می‌دهد. اما متأسفانه ما با سه بحران که

از متخصصان برجسته‌ی کشور مطالعه‌هایی انجام دادند و نشان دادند که کمک به کاهش هزینه‌های حمل و نقل فقرا بزرگترین کمک و مؤثرترین کمکی هست که می‌توان انجام داد و آن‌ها در ارزیابی‌های خودشان نشان دادند ساختار توزیع حمل و نقل عمومی در ایران به گونه‌ای است که بیشتر معطوف به نیازهای طبقات متوسط و بالای درآمدی است. آن‌ها نشان دادند اگر خطوط حمل و نقل عمومی به صورت مترو یا اتوبوس برای آن‌ها بسط پیدا کند کمکی که به ارتقاء کیفیت زندگی آن‌ها می‌کند بسیار مؤثرتر هست از منابعی که به شیوه‌های سفله پرورانه می‌خواهد در دستور کار قرار بگیرد.

وی افزود: با کمال تأسف در جهت‌گیری‌هایی که سازمان برنامه طی چند ساله اخیر نشان داده یک باب جدیدی برای پنهان کردن کسری مالی واقعی باز کردند و آن هم اینکه ارقامی را تحت عنوان ارقام مربوط به ایجاد اشتغال منظور می‌کنند و گزارش‌هایی که نهادهای نظارتی دادند حکایت از آن دارد که عملاً تا پایان سال بخش اعظم آن منابع تخصیص داده نمی‌شود و صرف امور جاری کشور می‌شود. صرف نظر از اینکه نگاه اشتغال به مثابه کالایی که فقط با تخصیص پول می‌توان حل و فصل کرد چه میزان می‌تواند برای کشور فاجعه ساز باشد، حیاتی‌ترین پیشنهادی که می‌توانیم به مجلس و دولت محترم بدهیم؛ این است که بدانند رویکرد گذران روزمره امور، بی‌برنامه بودن ضربه‌هایی که در شرایط خطیر به کشور می‌زند قابل مقایسه با هیچکدام از نواقص و سهل انگاری‌ها و بی‌توجهی‌ها و نادرست فکر کردن‌های نظام تصمیم‌گیری نیست. بنابراین توصیه‌ی مؤکد می‌کنیم لااقل در زمینه‌ی مسائل راهبردی مبتلا به کشور نمایندگان مجلس از توانایی‌ها و اختیارات خود استفاده کنند تا دولت محترم ترغیب شود به اینکه دست از برخورد بی‌برنامه و جزیره‌ای و انتزاعی با بحران‌هایی که به شدت با یکدیگر در هم تنیدگی پیدا کرده‌اند، بردارد. دکتر مؤمنی گفت: آنچه که تاکنون درباره بودجه انتشار یافته حکایت از نوعی سردرگمی و انفعال کامل در برابر شرایط نامطلوب کنونی اقتصاد ایران

**مهندس سلطانی: زمانی که آقای روحانی سرکار آمدند ضریب فزاینده حدود پنج بود. بدین معنا که اگر یک تومان پایه پولی بالا می‌رفت پنج تومان نقدینگی ایجاد می‌شد. اکنون نقدینگی هفت و خرده‌ای است. ۴۰ درصد قدرت خلق نقدینگی توسط بانک‌ها بالا رفت**

که می‌گوید زمانی که انسان‌ها دچار پدیده‌ای شوک دهنده می‌شوند توجیهات سطحی و دم دستی می‌کنند. در اقتصاد ما آقایی که مسبب این موضوع هستند خیلی توجیهات سفسطه‌ای و سطحی می‌کنند که خیلی خطرناک است. چگونه ما می‌خواهیم ۶۰ درصد را بدهیم؟ در طول دویست سال گذشته بیش از دویست بحران بانکی ثبت شده داریم؛ بیشترین رقمی که ثبت شده برای حال حاضر است. پس ما یک بحران بانکی بسیار بزرگ داریم که به شدت فشار می‌آورد.

سلطانی ادامه داد: سومین بحران، بحران ارزی است که مشاهده می‌کنید ظرف کمتر از ده سال ارزش پول ما یک دهم شد که تازه به آن اکتفاء نمی‌شود و باید کمتر هم شود. ما زیر آوار هستیم. در اقتصاد مالی ما از مرحله‌ی التهاب، تنش، بحران، فروپاشی رد شدیم. بنده به شدت از دولت و مجلس ناامید هستم و هیچ‌گونه امیدی ندارم. ۷۰ درصد نقدینگی کشور در این پنج سال ساخته شده است. زمانی از خطای حاکمیتی سخن می‌گفتیم، اکنون ما درگیر خطای نقطه نویسان شده‌ایم. زمانی که آقای روحانی سرکار آمدند ضریب فزاینده حدود پنج بود. بدین معنا که اگر یک تومان پایه پولی بالا می‌رفت پنج تومان نقدینگی ایجاد می‌شد. اکنون نقدینگی هفت و خرده‌ای است. ۴۰ درصد قدرت خلق نقدینگی توسط بانک‌ها بالا رفت. این‌ها خطا و نادانی و بی‌کفایتی نقطه نویسان پرمدعا و پر رخوت و بر غرور است. دولت دویست هزار میلیارد تومان به بانک‌ها بدهکار شد. اگر پایه‌ی پولی را بالا می‌بردیم سیصد هزار میلیارد تومان نقدینگی کمتر بود و دولت هم به بانک‌ها بدهکار نبود. نقدینگی ما ۲۰ درصد کمتر بود. جالب است آقایی که ۷۰ درصد نقدینگی

را ایجاد کردند برای اینکه سیستم بانکی خصوصی فاسد بتواند به حیات خود ادامه دهد و به روی خود نیاورند حالا از غول نقدینگی می‌گویند. چه کسی نقدینگی را ساخت؟ چرا جوابگوی سیاست‌هایی که در پنج سال گذشته ایجاد کردید نیستید؟ اگر نمی‌دانستید معذرت خواهی کنید! وقتی به بحران‌ها نگاه می‌کنیم تشابهاتی وجود دارد.

وی گفت: در بحران سال ۲۰۰۷-۲۰۰۸ میلادی آمریکا وام‌های بی‌کیفیت زیاد شد، قیمت مسکن سه برابر شد. من بررسی کردم در طول صد سال تاریخ آمریکا قیمت واقعی مسکن دو برابر شد. پول‌هایی که سیستم بانکی داد مسبب این اتفاق شد و بعد طبیعتاً فرو ریخت. دولت آمریکا ضریب فزاینده را از هشت به چهار رساند. درب بانک‌ها را قفل کرد تا نقدینگی درست نکنند. در ایران بانک‌های خصوصی ایجاد شدند. بانک‌های خصوصی پول‌ها را جمع می‌کردند ملک و املاک می‌خریدند، از پنج سیکل پر قدرت مسکن در تاریخ ایران که یک مورد برای نیمه‌ی دوم دهه‌ی ۳۰ و مورد دیگر برای نیمه‌ی اول دهه‌ی ۵۰ است، اما سه تا از پنج تا سیکل در طی سال‌های ۸۲ تا ۹۲ رخ می‌دهد. آقایان می‌فرمایند بخاطر اینکه نرخ ارز ثابت بوده این اتفاق افتاده است. زمانی که در آمریکا اتفاق افتاد مگر این مشکل وجود داشت!

احسان سلطانی ادامه داد: در طی نوزده سال اخیر جالب است بدانید در دنیا می‌گویند نقدینگی با سرعتی به مراتب بیشتر از رشد GDP و تورم رشد کرده است. چرا در آنجا این قوه هیچ کاری انجام نمی‌دهد؟ چرا در آمریکا که اسکناس‌های فراوانی چاپ کرد این رخداد را شاهد نیستیم؟ بانک‌های خصوصی که با سفته بازی در زمین و شوک‌هایی که ایجاد می‌کردند ظرف یک ساعت پولشان دو برابر می‌شد؛ به جایی رسیدند که قله فرو ریخت. سیاست‌گزاران اقتصادی ما بجای اینکه بانک‌ها را جمع کنند و ضریب فزاینده پایین را بالا ببرند عکس چیزی که در آمریکا یا انگلیس و کشورهای دیگر اتفاق افتاد. این‌ها خطای دولت و حاکمیت نیستند بلکه خطای نقطه نویس هست. چرا نقطه نویس این

کارها را انجام می‌دهد؟ نخست نادانی و بی‌سوادی و سپس شریک بودن در منافعی که ایجاد می‌شود و حق مشاوره‌هایی که از خصوصی‌ها می‌گیرند. وی ادامه داد: شما که تا این اندازه نگران رانت‌ها و فساد هستید ۴۰ میلیارد دلار صادرات غیر نفتی بوده، به همین اندازه‌ی فروش داخلی بوده و قیمت‌ها دو برابر شده‌اند. سیصد هزار میلیارد تومان رانت نرخ ارز تولید کرده‌اند. چرا از رانت مالیات نمی‌گیرید؟ در جاهای دیگر صدها هزار میلیارد تومان غارت می‌کنند شما یک یارانه را می‌بینید که با ده میلیارد دلار هم می‌توان بست! بحث، بحث اقتصاد نیست بلکه تأمین منافع غارتگرها است. ما با اقتصاد نرمال روبرو نیستیم. ما گرفتار مصیبت‌هایی هستیم که در تاریخ بشر بی‌سابقه است. بدبختی که ما داریم این است که نتولیرالیسم یک ایدئولوژی است. خیلی جالب است یک ایدئولوژی که متکی به فردگرایی و مادی گرایی هست را روی حکومتی سوار کردیم که متکی به آرمان‌گرایی انسانی است. معلوم است که این فجایع رخ می‌دهد. چون شما دو چیز کاملاً متضاد را به هم را وصل کردید. اقتصاد جمهوری یک اقتصاد نتولیرالیستی است. نتولیرالیست، فردگرایی هست. در سی سال گذشته بهروری ۷۰ درصد و حقوق کارگر ۳۰ درصد بالا رفته است. ۴۰ درصد کجا رفته؟ می‌فرمایند بدهی آمریکا بالا هست بنابراین مهم نیست. بدهی آمریکا نسبت به GDP ۵۰ درصد بوده است. بخاطر زیان‌ها و ضررهای تأثیر مقداری بدهی آمریکا به ۵۰ درصد رسید. قبل از بحران بزرگ اقتصادی ژاپن که در آخرین دهه قرن ۲۰ اتفاق افتاد بدهی دولت ژاپن نسبت به GDP ۵۰ درصد بوده و اکنون ۲۳۰ درصد است. به کلی ساختار اقتصادی را نابوده کردند. چرا نتولیرالیست جواب نمی‌دهد؟ برای اینکه عقبه نتولیرالیست علم نیست یک ایدئولوژی و مکتب است. ما این ایدئولوژی را روی جمهوری اسلامی سوار کرده‌ایم. معلوم است که بدبختی ایجاد می‌شود. این ایدئولوژی در آمریکا و اروپا و ژاپن تغییری ایجاد نکردند. می‌گویند دنیا گلستان شد اما ما می‌دانیم که در آمریکا لاتین، با این همه دخالت و کودتایی که انجام شده و یا در



**مهندس سلطانی: شاخص رقابت پذیری جهانی ۲۰۱۹ میلادی که یکی از بنیادهای مهم اقتصاد زاد راه اندازی کرده نگرش آن به سمت نهادگرایی رفته و از صد شاخص، بیست شاخص آن نهادی است. ما هیچ شاخص نهادی نداریم.**

تورم بوده است. وی در یک جمع بندی کلی گفت: نقدینگی ما یک نقدینگی بی کیفیت و نامتقارن است. در سال ۱۳۸۰ سهم پول حسابهای جاری، کارت‌ها و اسکناس در ایران ۵۰ درصد بوده است. این را بر اساس بانک مرکزی می‌گوییم. آنجا هم ۵۰ درصد بوده است. وقتی بانک مرکزی بیايد یک انضباط مالی شدیدی ایجاد می‌کند. بانک‌های بد را در ایتالیا و یونان مهار می‌کند. اکنون نسبت پول به نقدینگی اتحادیه‌ی اروپا ۷۰ درصد است. بدین معنا کیفیت پول را بالا بردند. برای ما ۸۶ درصد شبه پول سپرده است. در اروپا ۳۰ درصد است. ۵ درصد نقدینگی که بخش عمده نقدینگی شبه پول دستشان هست یکبارہ برای خرید کردن به خیابان نمی‌ریزند. پول به بازار نیامده که بخواهد تورم ایجاد کند. بنده ثابت می‌کنم در ایران تورم تابعی از ارزش ریال است. ارزش ریال در مقابل ارزهای خارجی هست. عده‌ای می‌گویند در زمان شاه مشاهده کردید که چه تورمی شد. هیچ وقت فکر نکردند زمانی که نفت سه برابر می‌شود قیمت‌های اقلام دیگر هم سه برابر می‌شود هم دو تا سه برابر می‌شود. در نیمه اول دهه‌ی ۵۰ اگر شاه می‌خواست در ایران نرخ ارز را بالا ببرد تورم ۱۰۰ درصد می‌شد. برای مثال در دهه‌ی هشتاد قیمت روغن و سنگ آهن سه برابر شد. اگر ما می‌خواستیم همراه با این نرخ ارز را همراه با این بالا ببریم فاجعه بود. در زمان شاه قیمت‌ها سه برابر شد. بنابراین خیلی از چیزها آنگونه که می‌بینیم نیست. اقتصاد علم ساده‌ای نیست. علم اقتصاد بسیار سخت است و این گونه نیست که تکنسین مالی نسخه بپیچد.

منبع: پایگاه اطلاع‌رسانی جماران

از دست داد. بدین معنا ژاين نرخ رشد یک درصد و دو صد را ۲۰ سال تجربه نکرد. همه این‌ها تقریباً روندی مشابه روند ما دارند. بانک‌های خصوصی را راه اندازی کردند و در آن سفته بازی و هر کاری توانستند کردند چون باید بهره ۲۰ درصد می‌دادند. در پنج سال گذشته بحران رشد کرد بجای اینکه آن را جمع کنند به بانک گفتند پول چاپ کن و چنین بدبختی‌ها درست شد. ما یک دولت صالح می‌خواهیم. این دولت‌ها هیچکدام صالح نیستند. این به این معنا نیست که در دولت آدم صالح وجود ندارد یا این که قوای دیگر نظیر مجلس نقصانی ندارند. اگر دولت صالح سرکار بیاید با کمک و اعتماد مردم با صداقت کار کند ظرف سه سال آوارها را می‌توانیم برداریم.

وی ادامه داد: در اثر «ثروت ملل» از آدم اسمیت هست: ارزش پول به اندازه ارزش کار است. حتی عده‌ای می‌گویند مارکس که می‌گوید کاپیتال مهم نیست، این را از آدم اسمیت گرفت. آدم اسمیت همه این بحث‌ها را برای اقتصاد مولد کرده. از همه بحث‌هایی که او مطرح کرده اکنون فقط دست نامرئی را گرفته اند. وقتی آن را درست بخوانید متوجه می‌شوند چه خیانتی در حق آدم اسمیت کردند. در جایی می‌گوید حاکمان با ارزش پول جیب مردم را می‌زنند. شاخص آزادی اقتصاد جهانی نکات جالبی دارد. از ده شاخص، دو شاخص آزادی پولی است. آزادی بدین معناست که ارزش پول باید ثابت بماند. به دلیل اینکه شما که می‌خواهید کار کنید بتوانید کار کنید. شاخص دیگر قانون مالکیت است. بنده یک بازنشسته هستم. صد میلیون پس انداز هست و دو میلیون حقوقم هست. صد میلیون تبدیل به سی میلیون شده و دو میلیون به یک میلیون تبدیل شده است. مشخص است یک نفر در حال زدن جیبم هست. چگونه اصول اقتصاد آزاد کلاً تعطیل است؟ اقتصادی که آقای آدم اسمیت از آن سؤال می‌کند اقتصاد مولد است. ارزش از لحاظ آدم اسمیت فقط کار است، سرمایه مهم نیست. یک اصل رقابت بازی اقتصادی، مطبوعات است. فواصل زیادی دارد. از صد شاخص فقط به قیمت چسبیده‌اند. از سال ۵۶ تا ۶۸ بیست و دو سال نرخ ارز بالاتر از نرخ

روسیه یا در کل آفریقا یا خیلی از کشورهای دیگر هیچ اثری نداشته است.

وی افزود: شاخص رقابت پذیری جهانی ۲۰۱۹ میلادی که یکی از بنیادهای مهم اقتصاد زاد راه اندازی کرده نگرش آن به سمت نهادگرایی رفته و از صد شاخص، بیست شاخص آن نهادی است. ما هیچ شاخص نهادی نداریم. دو شاخص برای قیمت‌ها هست و آن اینکه گران کنید تا همه چیز درست شود. سی سال است که مدام گران می‌کنید، چه درست شد؟ از سال ۵۷ تاکنون همه چیز دو هزار برابر شد. بنابراین یکسری تکنسین مالی که اصلاً اقتصاد نمی‌دانند مقررات اقتصاد را بدست گرفته‌اند.

وی ادامه داد: بنده دانشگاه امیرکبیر درس خواندم و جزو دانشجویهای خوب بودم. در رشته‌ی خودم موفق‌ترین آدم بودم. افتخار بنده این است که هشت سال کف اقتصاد تهران دویدم. هر تکه از خیابان جمهوری تا بازار جعفری را با یک نفر کار کردم. من شهود میدانی ندارم. در اقتصادی که تا این حد داستان دارد با فرمول و ریاضی نمی‌توان کاری کرد. هر چه در اقتصاد فرمول‌های ریاضی حل کنید از اقتصاد بیشتر فاصله می‌گیرید و وقتی استاد می‌شوید از واقعیت‌های کف میدان فاصله می‌گیرید. بعد عده‌ای تکنسین مالی تربیت کردیم به صرف اینکه شاگرد اول فلان جا بوده است. وقتی مملکت را دست این افراد بدهید به همین می‌رسید. با یک نگاه ایدئولوژیک به اقتصاد نگاه می‌کند. مصیبت این است آن هم در کشور که بر مبنای ایدئولوژی و مکتب اسلامی، مکتب نتولیرالیسم وجود دارد.

وی گفت: در علوم اجتماعی نمی‌توان گفت همه چیز قطعی است. ایدئولوژی نتولیرالیسم فاسد و رانتی است زیرا همه آن‌ها دم دکان رانتی‌ها، بانک‌های فاسد، خصوصیتی هستند.

سلطانی تأکید کرد: از سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۰ میلادی که ژاين دچار بحران ناشی از مالی سازی و بانک بازی شد بعد آقای آبه اصلاحات آبه نومیک را ایجاد کرد و هزینه زیادی کرد ۵۰ درصد بدهی به GDP ژاين به ۲۳۰ درصد رسید و هنوز درست نشده است. متأسفانه فرصت‌های جمیعتی خود را در طی بحران